نگاه

اثرات مثبت بازگشت پسر اهوازی به زندگی



ناصر قاسمزاد
روانشناس و استاد دانشگاه

● جامعه ما جامعه‌ای جوان است و در چنین جامعه‌ای خواسته یا ناخواسته از میزان هیجان‌پذیری بالایی نزد جوانان برخوردار هستیم. جوانان نیازهایی دارند که متاسفانه شاهد آن هستیم به این نیازها در بعضی از سطوح پاسخ داده نمی‌شود. بخشی از این بی‌توجهی ممکن است به خانواده مرتبط باشد. برخی از بی‌توجهی‌ها نیز به نظام فرهنگی و اجتماعی حاکم بر جامعه بازمی‌گردد و بخشی دیگر به امکاناتی ارتباط دارد که دولت باید به شهروندان ارایه دهد. امکاناتی برای اوقات فراغت و امکاناتی در باب امنیت شغلی و اقتصادی از این جمله است. وقتی عوامل گوناگون دست به دست هم می‌دهد، شاهد آن هستیم که قشری از جامعه از امکانات عادی و به‌حق خودش برخوردار نیست. طبیعتا ممکن است میزان اضطراب، خشم و هیجان‌های منفی در نزد این گروه بالاتر باشد و زمینه برای بروز خشم، پرخاشگری و استرس مهیا شود. از سویی واژگانی چون غرور، خودسری، لجاجت، منفی‌گرایی و... در دوره جوانی نمود بیشتری پیدا می‌کند. در چنین شرایطی برخی جوانان ممکن است به واسطه عدم پاسخگویی بهینه به نیازهایشان نسبت به محیط واکنش‌های تکانشی و پرشدتی نشان دهند.

اگر نیازهای منطقی جوانان از سوی خانواده و دولت به درستی تامین شود، غرور، منفی‌گرایی، لجاجت، خودسری و... تا حدی استفاده می‌شود که آنان به خودشان یا دیگری صدمه نزنند. در واقع این صفات ممکن است چند دعوای کوچک و بی‌اهمیت را باعث شود اما وقتی کمپلکس‌های قبلی در نزد جوان وجود داشته و در این سن حل نشده باشد، هیجانات، فشار خود را چند برابر نشان می‌دهند و واکنش‌های پرخاشگرانه‌ای بروز می‌کند که اغلب به‌طور ناخواسته منجر به ضرب و جرح و حتی قتل نفس می‌شود. در چنین وضعی فرد جوان در نهایت به‌عنوان قاتل به قصاص محکوم می‌شود. این اتفاقی است که می‌توان گفت در مورد محمد - پسر جوان اهوازی - نیز رخ داده است. ما شاهد این هستیم که این جوان قبلا مرتکب عمل مجرمانه نشده بود بنابراین می‌توان این را در نظر گرفت که با توجه به شرایط محیطی و خانوادگی این فرد، یک اشتباه منجر به بروز واکنش شدید پرخاشگرانه و انجام قتل توسط وی شده است.

این جوان پنج‌سال گذشته را در زندان گذرانده است که این مجازات می‌تواند به‌طور کافی و شدید در روحیه او اثرات تنبیهی و بازدارنده را داشته باشد و زمینه را برای اصلاح رفتارهای قبلی وی ایجاد کند و شاید او در صورت بخشش و آزادی به زندگی موفق و مثال‌زدنی دست یابد. در اکثر موارد وقتی فردی از مجازات عملی که مرتکب شده است بخشیده می‌شود و به زندگی بازمی‌گردد، تا آخر عمر اتفاقاتی را که برایش رخ داده و سختی‌هایی را که برای بازگشت به زندگی تحمل کرده مقابل چشم خواهد داشت و همین امر چنین افرادی را به الگویی برای دیگران تبدیل می‌کند. نکته مهم در پرونده مورد اشاره این است که با قصاص متهم، جوانی که از دست رفته نمی‌تواند به زندگی بازگردد اما با بودن این فرد ما می‌توانیم چگونه زیستن و لذت زندگی سالم و پشیمانی از رفتارهای نابجای گذشته را به خود او و دیگران نشان دهیم. باید توجه داشت اگر بخواهیم بزهکاران حرفه‌ای را که دایما مرتکب جرایم ریز و درشت می‌شوند از چنگال عدالت و برخوردهای قانونی رها کنیم، چنین کاری دور از انصاف است اما در مواردی مانند این پرونده که سن فرد در حین ارتکاب جرم بسیار پایین بوده و وضعیت خانوادگی و شرایط فرهنگی و تربیتی خاصی داشته، مجموع عوامل شرایط را مهیا کرده است که این فرد، رفتار واکنشی خشن داشته باشد. البته این نکته را هم باید تاکید کرد که ما به هیچ‌وجه به‌دنبال تایید رفتار غلط این فرد نیستیم، اما باید یادآور شد بعضی مواقع برخی رفتارها در سنین و شرایط خاص فقط ناشی از اراده و خواسته فردی خود شخص نیست و عواملی دست‌به‌دست هم می‌دهند تا آن اتفاق، رخ دهد. با توجه به شواهد و مدارک، این شخص سابقه مجرمانه نداشته و برای اولین بار جرمی را مرتکب شده است طبیعتا او در بازه زمانی پنج‌ساله بارها مرگ را با تمام وجود خود احساس و شرایط روحی و روانی بد و محرومشدن از لذت زندگی کردن را در کابوس، واقعیت و رویا بارها تجربه کرده و بخش مهمی از عقوبت دنیوی کار خود را گذرانده است. گاه رافت، مهربانی و گذشت، شرایط را برای رشد فرد و الگوشدنش برای زندگی بهتر مهیا می‌کند اما با برخورد شدیدتر با چنین فردی آن هم بعد از گذشت پنج‌سال به‌نظر می‌رسد عامل بازدارندگی را ندارد و نمی‌توانیم تاثیرات تربیتی و تنبیهی این رفتار را در جامعه شاهد باشیم.

سارقی که فقط «بی‌ام‌و» می‌دزدید

شرق: تعمیرکار خودروهای بی‌ام‌و با شگردی فوق حرفه‌ای دست به سرقت می‌زد و سپس با قطعات مسروقه خودرو از مالباختگان کلاهبرداری می‌کرد.

به گزارش خبرنگار ما، ماموران کلانتری پاسداران روز ۲۶ تیر از طریق مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ در جریان سرقت قطعات اصلی موتور خودرو سواری «بی‌ام و» مدل X3 قرار گرفتند و پرونده‌ای را در این خصوص تشکیل دادند.

صاحب خودرو پس از حضور در پایگاه چهارم پلیس آگاهی، به کارآگاهان گفت: «روز ۲۵ تیر در مسیر رفتن به سمت خانه بودم که ناگهان ماشین به علت نقص فنی خاموش شد به همین علت در ساعت ۲۳:۳۰ با نمایندگی تماس گرفتم اما گفتند در آن ساعت شب امکان ارایه هیچ‌گونه خدماتی وجود ندارد. به همین دلیل با راننده جرثقیلی تماس گرفتم اما آنها کمکی نکردند. در نهایت با اطمینان از اینکه هیچ‌کس نمی‌تواند ماشین را سرقت کند آن را در همان محل گذاشتم و به منزل رفتم. روز بعد وقتی همراه نمایندگی بی‌ام‌و به محل پارک خودرو رفتم دیدم سارقان قسمتی از قطعات اصلی موتور خودرو از جمله «گیربکس» و «مغزی موتور» را سرقت کرده‌اند. درخصوص نقص خودرو نیز از سوی نمایندگی اعلام شد فردی آب داخل باک بنزین ریخته است.» کارآگاهان با توجه به نوع سرقت و بنا به نظریه کارشناسی نمایندگی کارخانه سازنده خودرو اطمینان پیدا کردند سارق یا سارقان اطلاعات فنی بسیار دقیقی از سیستم موتوری این مدل از خودروهای بی‌ام‌و دارند. آنان در ادامه موفق شدند یکی از متخصصان فنی خودروهای بی‌ام و، مدل X3 را به نام مرتضی شناسایی کنند. همکاران سابق این مرد ۳۵ساله عنوان کردند او به‌علت اعتیاد به مواد مخدر محل کار خود را ترک کرده است. تحقیقات مشخص کرد مرتضی یکی از کارشناسان ماهر خودروهای بی‌ام‌و به‌ویژه مدل X3 است که حتی نمایندگی بی‌ام‌و به دلیل مهارت بالای او حاضر بود ماهانه مبلغی در حدود پنج‌میلیون‌تومان به وی حقوق پرداخت کند اما او این پیشنهاد را قبول نکرده بود. کارآگاهان با مراجعه به محل سکونت مرتضی اطلاع پیدا کردند وی از این مکان متواری شده است. آنان در ادامه موفق به شناسایی محل تردد متهم



در منطقه پاسداران شدند و توانستند او را سوار بر بی‌ام‌و مدل X3 دستگیر کنند. ماموران در ادامه به محل سکونت متهم رفتند و در بازرسی از این محل توانستند تعداد زیادی انواع قطعات خودرو را به همراه اسناد و مدارک شناسایی متعلق به افراد مختلف کشف کنند که با شناسایی و دعوت از این افراد، کارآگاهان موفق به شناسایی تعداد دیگری از مالباختگان شدند که خودروهای آنها نیز- همگی از نوع خودروهای بی‌ام‌و مدل X3 - به شیوه‌ای مشابه مورد سرقت قرار گرفته و متهم پس از سرقت و تحت عنوان مکانیک خودرو در ظاهری موجه، اقدام به فروش قطعات مسروقه خودرو به صاحبان اصلی آنها کرده بود. «مرتضی» در اعترافات خود گفت:«با خودرو X3 متعلق به خودم، در خیابان‌های سطح شهر به‌ویژه در مناطق شمال تهران تردد می‌کردم و وقتی خودرو مشابهی را می‌دیدم، آن را زیر نظر می‌گرفتم و در فرصت مناسب و زمانی که صاحب خودرو برای دقایقی از ماشین دور می‌شد، داخل باک آن آب می‌ریختم و وقتی صاحب خودرو به‌علت نقص فنی خودرو را پارک می‌کرد، سراغ ماشین می‌رفتم و قطعات آن را سرقت می‌کردم.» متهم ادامه داد:«فردای سرقت، با خودرو بی‌ام‌و به محل سرقت می‌رفتم و خود را به‌عنوان مکانیک و کارشناس خودروهای مدل X3 معرفی می‌کردم و با توجه به وضعیت ظاهری مناسب و نوع خودرو و همچنین ابزارآلات مکانیکی که همراه خود داشتم، هیچ‌کدام از دارندگان خودروها به من مشکوک نمی‌شدند. سپس به بهانه انجام تعمیرات و تهیه قطعات سرقت‌شده از ماشین، همان قطعات مسروقه متعلق به خودروها را مجددا روی آنها می‌بستم و مبالغ چنده‌میلیون‌تومانی می‌گرفتم.» سرهنگ رضا مودن، رییس پایگاه چهارم پلیس آگاهی تهران، با تایید این خبر گفت:« تعدادی از مالباختگان شناسایی شدند و مشخص شده است هر کدام از آنها مبالغ مختلف ۸۰، ۵۰، ۲۰، ۴۰ و ۱۲میلیون‌تومانی را به‌عنوان دستمزد و هزینه تهیه قطعات خودرو به متهم پرداخت کرده‌اند.» سرهنگ مودن در ادامه گفت:« با انجام تحقیقات تعدادی از مناطق سرقت در ولنجک، شریعتی، ایران‌زمین، پاسداران، آفریقا، اختیاریه، قیطریه و شهید اندرزگو شناسایی و از مالباختگان برای حضور در پایگاه چهارم آگاهی و شناسایی متهم درخواست شد و تمامی این افراد پس از حضور در پایگاه، موفق به شناسایی متهم شدند.»

موج کمک‌های مردمی برای نجات محمد از چوبه دار

شرق: محمد پسر اهوازی که یک‌بار تا پای چوبه‌دار رفته اما دوباره به زندگی بازگشته بود با همکاری مردم نیکوکار بار دیگر به زندگی امیدوار شد. در پی انتشار اخبار مربوط به این پسر و درخواست کمک از سوی وکلای مدافع و مادر محمد، خیران تاکنون نزدیک به ۱۰۰میلیون‌تومان به او کمک کرده‌اند.

به گزارش خبرنگار ما، دو هفته پیش بود که خبر رسید محمد - جوان اهوازی - که در ۱۸سالگی مرتکب جرم شده و جوان دیگری را در اهواز به قتل رسانده قرار است پای چوبه دار برود. تلاش بزرگان قبیله محمد برای جلب رضایت اولیای‌دم به جایی نرسیده بود تا اینکه هنگام اجرای حکم پدر مقتول تصمیم گرفت از قصاص گذشت کند و یک‌هفته فرصت داد تا این جوان ۳۸۰میلیون‌تومان بپردازد و از مرگ نجات پیدا کند. بعد از آن بود که تلاش خانواده محمد برای جمع‌آوری کمک از اعضای قبیله‌شان آغاز شد. از سوی دیگر با درج این خبر در روزنامه «شرق» درنهایت سه‌وکیل محمد تصمیم گرفتند شماره حسابی را برای جمع‌آوری این کمک‌ها اعلام کنند. با درج شماره تلفن همراه حسن آقاخانی - یکی از این وکلا - در روزنامه، مردم نیکوکار با او تماس گرفتند و درنهایت در روزهای چهارشنبه و پنجشنبه در مجموع نزدیک به ۱۰۰میلیون‌تومان کمک جمع‌آوری شد.

حسن آقاخانی ضمن تشکر از مردم خیر گفت: در روزهای چهارشنبه و پنجشنبه که شماره تلفن من در روزنامه اعلام شد تماس‌های زیادی از سوی مردم گرفته شد و در این مدت تلفنم بی‌وقفه در حال زنگ‌زدن بود و مردم می‌خواستند به این جوان کمک کنند. من هم با کمال میل شماره حساب را در اختیار آنها قرار دادم و مطابق آخرین گزارشی که از بانک گرفتم مبلغ نزدیک به ۱۰۰میلیون‌تومان (تا زمان تنظیم خبر) به این حساب از سوی مردم واریز شده است. این حساب از سوی چهاروکیل تاسیس شده است و هرگونه برداشتی از آن به حداقل امضای سه‌نفر از صاحبان حساب نیاز دارد. این توضیح از آن جهت بود که مردم بدانند حساب شخصی نیست و نظارت روی آن وجود دارد. محمد همچنان به ۸۰میلیون‌تومان دیگر نیاز دارد که ما امیدواریم تا روز دوشنبه که آخرین مهلت محمد برای تهیه مبلغ موردنظر است این پول جمع‌آوری شود.

وی همچنین گفت: عده‌ای از مردم نیز شماره کارت بانک خواسته بودند که بنده شماره را در اختیار آنها قرار دادم و پول‌های واریز شده به‌کارت نیز عینا به حساب مشترک واریز شده و اسناد همه این واریزها موجود است.

آقاخانی گفت: این پول به‌طور کامل به دادگستری اهواز و مسوولان مربوطه پرداخت و از طریق دادگستری به ولی‌دم داده خواهد شد. همچنین قرار است روز دوشنبه پولی که از قبیله محمد نیز جمع‌آوری شده در شعبه اجرای احکام به ولی‌دم داده شود.

او در مورد خانه پدری محمد گفت: در صورتی که این خانه به‌زودی فروش برود پول آن به حساب ولی‌دم واریز و اگر در مهلت قانونی نتوانند این خانه را بفروشند سند خانه به نام آنها زده خواهد شد. ضمنا بنده همچنان پاسخگوی تماس‌های مردم با شماره تلفن ۰۹۱۲۳۵۷۴۴۸۴ خواهم بود و درخواست کمک برای موکلم دارم.

همچنین عبدالصمد خرمشاهی وکیل مدافع دیگر محمد نیز ضمن قدردانی از مردم گفت: روحیه همیاری مردم همه ما را تحت‌تاثیر قرار داد و ما یک‌بار دیگر به ایرانی‌بودن خودمان بالیدیم. کمک مردم به محمد نشان داد همه ما ایرانیان اعضای یک خانواده هستیم. خوشبختانه با کمکی که مردم کردند این جوان از مرگ فاصله گرفته و یک‌بار دیگر فرصت زندگی‌کردن یافته است. در آخرین گفت‌وگویی که با محمد داشتم باز هم تاکید کردم باید قدر کمک مردم را بداند و تشکر از آنها فقط زمانی محقق می‌شود که او راهی درست را در زندگی انتخاب کند. محمد نیز قول داد جواب این اعتماد هموطنانش را بدهد. خرمشاهی ضمن تشکر از ایرانیان خارج از کشور که برای کمک به محمد با او و همکارش حسن آقاخانی تماس گرفتند گفت: هیچ‌شماره حسابی در خارج از ایران از سوی ما اعلام نشده است.

خرمشاهی اعلام کرد: مبلغ جمع‌آوری شده به‌زودی به مسوولان داده خواهد شد و ما گزارش کامل را از طریق روزنامه «شرق» به مردم خواهیم داد.

گفت‌وگو با مردی که دست به سرقت مرگبار زد

نمی‌خواستیم کسی را بکشیم



شرق: پلیس در حال تحقیق از دو مرد افغان است تا مشخص شود کدام‌یک از آنها قاتل اصلی مرد۸۳ساله‌ای است که بیش از یک‌سال قبل قربانی سرقتی مرگبار شد. این دو مرد با همدستی زنی که پرستار خانگی مقتول بود وارد خانه او شدند و گاوصندوق وی را سرقت کردند. متهمان چندی قبل دستگیر شدند و تحقیقات از آنها همچنان در مراحل اولیه است. یکی از دو متهم که مردی ۲۳ساله به نام عبدالحمید است در گفت‌وگو با ما توضیح می‌دهد چگونه همراه همدست ۱۹ساله‌اش به نام جمعه مرتکب دزدی مرگبار شد.

چطور شد که تصمیم به این سرقت مرگبار گرفتید؟

من از سال ۸۳ به ایران آمدم و جمعه هم سال۸۹ به ایران آمد. من در ایران با چند زن و دختر ارتباط داشتم و ماجرای این سرقت هم به یکی از این زنان به نام ثریا برمی‌گردد که الان در افغانستان زندگی می‌کند. اواخر سال ۹۰ با زنی ۲۰ساله آشنا شدم که در مشهد زندگی می‌کرد و پس از آشنایی با من به تهران آمد. او از طریق یکی دیگر از زنانی که با آنها در ارتباط بودم در شرکتی خدماتی به‌عنوان نظافت‌چی خانه و پرستار دایمی مشغول به کار و بعد از مدتی از طریق همان شرکت به زن و مرد مسنی که ماجرای سرقت منجر به قتل در خانه آنها اتفاق افتاد، معرفی شد. ثریا بعد از مدتی پیشنهاد سرقت از خانه را با من مطرح کرد.

چطور با زنان آشنا و دوست می‌شدی؟

بعضی مواقع من شروع‌کننده ارتباط بودم و به آنها پیشنهاد می‌دادم اما در مورد ثریا ماجرا اینطور بود که او بعد از چند تماس تلفنی اشتباه به ادامه ارتباط اصرار کرد و برای دیدن من به تهران آمد.

در ایران چه کار می‌کردی؟

من از همان سال اولی که به ایران آمدم به کار ساختمان مشغول شدم و ماهانه ۸۰۰هزارتومان درآمد داشتم.

با اینکه افغان هستی برای برقراری رابطه با زنان ایرانی مشکلی نداشتی؟

اول دوستی چون خیلی خوب فارسی صحبت می‌کنم و لهجه ندارم نمی‌فهمیدند اما بعد از مدتی یا خودشان می‌فهمیدند یا خودم به آنها می‌گفتم با این حال به ارتباط ادامه می‌دادند.

درباره طراحی نقشه سرقت توضیح بده.

حدود یک‌ماه بعد از آنکه ثریا برای کار به آن خانه رفت به من گفت در آن خانه گاوصندوقی هست که احتمالا چیزهای باارزشی در آن نگهداری می‌شود. بعد هم پیشنهاد سرقت را مطرح کرد.

چطور شد که نقشه سرقت را عملی کردی؟

من و جمعه آن موقع با هم دوست بودیم. ما وقتی افغانستان بودیم در یکجا زندگی می‌کردیم و در ایران هم دوستی‌مان ادامه پیدا کرد. پیشنهاد دادم برای دزدی همدست من شود، او هم قبول کرد.

شب حادثه چه اتفاقی افتاد؟

آن خانه‌ای که ثریا در آنجا کار می‌کرد متعلق به یک زن و شوهر مسن بود که زن خانه فلج بود و گوش‌هایش هم خوب نمی‌شنید اما چشمانش خوب می‌دید. مرد صاحبخانه با وجود سن بالا سرحال بود. قرار شد ثریا شب سرقت داروی خواب‌آور در غذای پیرزن بریزد و بعد منتظر ما بماند. وقتی ما به آنجا رسیدیم ثریا در را باز کرد و ما سراغ پیرمرد رفتیم. او را بیدار کردیم و خواستیم کلید گاوصندوق را به ما بدهد اما پیرمرد کلید را نداد و می‌خواست داد و فریاد کند. مجبور شدیم دست و پای او را ببندیم. هر کاری کردیم جای کلید گاوصندوق را نگفت. ما کمی خانه را گشتیم و بعد ثریا پیشنهاد داد خود گاوصندوق را با خودمان ببریم.

گاوصندوق را چطور با خودتان بردید؟

ثریا پتویی آورد. گاوصندوق را درون آن گذاشتیم و من گاوصندوق را روی کولم گذاشتم و بیرون رفتیم. در خیابان ماشین گرفتیم و گاوصندوق را با خودمان بردیم.

گاوصندوق را چطور باز کردید و چه چیزهایی داخل آن بود؟

آن را با قلم و چکش باز کردیم. ۲۰۰گرم طلا و دومیلیون‌و۹۰۰هزارتومان پول داخلش بود.

بعد از به دست آوردن اموال سرقتی چه کردید؟

من و جمعه تصمیم داشتیم به افغانستان برویم ثریا هم با ما آمد و بعد از مدتی گفت در ایران شوهر داشت و از خانه فرار کرده بود. وقتی در ایران بودیم او به من گفته بود شناسنامه‌اش را در شهرشان جا گذاشته است.

الان ثریا کجاست؟

پیش خانواده من در افغانستان زندگی می‌کند. ثریا غیابی جدا شد. من و او با هم ازدواج کردیم و الان هم یک بچه داریم.

چطور دستگیر شدید؟

یک‌سال‌ونیم بعد از ماجرای سرقت به ایران برگشتم و در ساختمانی در کرج کار می‌کردم که ماموران آگاهی آمدند و من را دستگیر کردند.

چطور به ایران رفت‌وآمد می‌کردی؟

به قاچاق‌برها پول می‌دادم و قاچاقی به ایران می‌آمدم.

چه زمانی فهمیدی پیرمرد صاحبخانه به خاطر کارهای شما کشته شده است؟

قبل از دستگیری نمی‌دانستم او مرده است. تا وقتی که ما از خانه بیرون آمدیم او هنوز زنده بود.

اصلا چرا این سرقت را انجام دادی؟ با درآمد ماهانه ۸۰۰هزار تومان، نیاز مالی نداشتی.

نادانی کردیم. فقط می‌توانم بگویم اشتباه بود، سواد ندارم البته قصد قتل هم نداشتم.

رخداد

عاملان قتل‌عام خانوادگی امروز اعدام می‌شوند

● **فارس:** فرماندار بابل گفت: دو نفر از قاتلانی که در سال۸۹، چهارعضو خانواده‌ای را در بابل به قتل رساندند، سحرگاه امروز به‌دار مجازات آویخته می‌شوند. محمد مهدوی اظهار کرد: انتشار خبر قتل چهار نفر از اعضای این خانواده در آبان سال ۸۹ به قدری تکان‌دهنده بود که دل هر انسانی را متاثر می‌کرد. وی افزود: پلیس بابل بلافاصله بعد از این حادثه تلاش برای دستگیری قاتلان این خانواده را در دستور کار قرار داد و بعد از جست‌وگریزهای پلیسی موفق شد در مدت‌زمان کوتاهی قاتلان این خانواده را که دایی و خواهرزاده و کارگر خانه مقتولان بودند، دستگیر کند. مهدوی بیان کرد: سرانجام بعد از گذشت حدود چهارسال، قاتلان این خانواده که علاوه بر پدر و مادر، دو فرزند خردسال این خانواده را با بیرحمی به قتل رساندند، ساعت شش‌ونیم صبح امروز در بلوار مادر شهاب‌نیا بابل به‌دار مجازات آویخته می‌شوند.

مرگ ۵نفر در ۳ حادثه مرگبار پایتخت

● **مهر:** سخنگوی سازمان آتش‌نشانی گفت: پنج نفر طی دوروز گذشته در سه حادثه در پایتخت جان خود را ازدست‌دادند. جلال ملکی گفت: ساعت ۱۷:۴۹پنجشنبه سقوط بالابر ساختمانی در خیابان زمزم به سازمان آتش‌نشانی اطلاع داده شد. بلافاصله آتش‌نشانان خود را به محل حادثه رساندند. وی افزود: در بررسی‌ها مشخص شد کارگران در ساختمانی چهارطبقه و در حال ساخت در حال حمل سنگ با بالابر بودند که ناگهان سبد بالابر به پایین سقوط کرد. سخنگوی سازمان آتش‌نشانی تهران ادامه داد: پسربچه ۱۲ساله‌ای در محل حادثه در حال بازی بود که سبد بالابر روی او سقوط کرد. آتش‌نشانان بلافاصله سبد را جابه‌جا کردند و کودک ۱۲ساله را تحویل اورژانس دادند که مشخص شد وی به علت شدت جراحات جان خود را از دست داده است. ملکی درباره دومین حادثه گفت: ساعت ۱۹:۵۷برخورد دو خودرو در جاده سولقان به سازمان آتش‌نشانی اطلاع داده شد و آتش‌نشانان راهی محل حادثه شدند. وی خاطرنشان کرد: خودرو پژو۴۰۵ با سه‌سرنشین هنگام حرکت در این مسیر منحرف شده و به‌شدت با بونکر سیمان برخورد کرده بود به‌طوری که پژو به‌طور کامل زیر بونکر گیر کرده بود. سخنگوی سازمان آتش‌نشانی ادامه داد: آتش‌نشانان با برش قطعات پژو سه سرنشین را خارج کردند و مشخص شد سه مرد ۲۵ تا ۳۵ساله بر اثر شدت حادثه جان خود را از دست داده‌اند. ملکی با اشاره به سقوط مرگبار کارگری به داخل چاه اظهار کرد: ساعت ۹:۲۷صبح دیروز حادثه سقوط کارگری به داخل چاه در خیابان مولوی به سازمان آتش‌نشانی اطلاع داده شد که آتش‌نشانان دو ایستگاه راهی محل شدند. وی افزود: در بررسی‌های اولیه مشخص شد کارگر ۵۰ساله‌ای در زیرزمین مغازه نان فانتزی در حال لایروبی بود که دهانه چاه به یکباره تخریب شد و مرد میانسال به داخل چاه به عمق ۹متر سقوط کرد. سخنگوی سازمان آتش‌نشانی ادامه داد: آتش‌نشانان کارگر ۵۰ ساله را از داخل آب و رسوبات خارج و امدادگران اورژانس مرگ او را تایید کردند.

انهدام باند جعل مدارک شناسایی

● **شرق:** اعضای باند سه‌نفری جاعلان مدارک شناسایی، دستگیر و تحویل مرجع قضایی شدند. سرهنگ «ایوب احمدی» سرپرست فرماندهی انتظامی کرج با اعلام این خبر گفت: در پی ارایه گزارش‌های متعدد مبنی بر تردد افراد معتاد و توزیع و فروش موادمخدر در منزلی مسکونی رسیدگی به این موضوع در دستور کار ماموران قرار گرفت. وی افزود: پس از احراز صحت موضوع، کارهای اطلاعاتی در این خصوص آغاز شد و با هماهنگی مقام قضایی پس از ورود به مکان موردنظر سه‌نفر که در حال کار با دستگاه چاپ بودند، شناسایی و دستگیر شدند و در بازرسی از آنجا پنج‌جلد گذرنامه، یک‌جلد شناسنامه سفید، یک عدد مهر اداره ثبت‌احوال، یک جلد سند زمین و یک جلد دسته‌چک مربوط به یکی از بانک‌ها که همگی جعلی بودند، کشف شد. سرهنگ احمدی افزود: متهمان به همراه اسناد جعلی مکشوفه پس از انتقال به کلانتری، در بازجویی‌های ماموران به جعل اسناد اعتراف کردند و طی تحقیقات بعدی مشخص شد یکی از متهمان دارای سابقه کیفری در زمینه موادمخدر است. بنابر این گزارش تحقیقات ماموران برای کشف سایر جرایم احتمالی این متهمان همچنان ادامه دارد.

بریده اخبار

- کامیون هوو حامل سوخت در مسیر تبریز به سمت جلفا در دوکیلومتری پلیس راه هادیشهر به علت نقص فنی در سیستم ترمز با چندین دستگاه سواری دیگر برخورد کرد و واژگون شد. بر اثر این سانحه سه‌نفر کشته و هشت‌نفر مجروح شدند.
- رییس پلیس فتای فرماندهی انتظامی گلستان نسبت به کلاهبرداری از طریق ارسال پیامک به شهروندان هشدار داد.
- هواپیمای سبک تفریحی حین پرواز خاموش شد و در فرودگاه رامسر سقوط کرد. خلبان و مسافر این هواپیما سالم ماندند.

www.sharghdaily.ir

آگهی ابلاغ اوراق مالیاتی

در اجرای ماده ۲۰۸ قانون مالیاتهای مستقیم بدینوسیله برگ تشخیص مالیات به مشخصات زیر به مودی ذیربط ابلاغ می گردد تا ظرف ۳۰ روز از تاریخ درج این آگهی به اداره امور مالیاتی مربوط مراجعه و نسبت به حل و فصل پرونده و تسویه حساب مالیاتی اقدام نمایند. بدیهی است در صورت عدم مراجعه طبق موازین قانونی اقدام خواهد شد.

ردیف	شماره پرونده	نام و نام خانوادگی مودی	شماره شناسنامه	شماره و تاریخ برگ تشخیص	عملکرد سال	منبع مالیاتی	درآمد یا ماخذ مشمول مالیات (به ریال)	اصل مالیات به ریال	شماره واحد مالیاتی	نشانی اداره امور مالیاتی شرق تهران
۱	۱۳۳۷	مهدی صدیق	_	۹۲/۴/۳۱-۳۵۳۴۳	۸۶	مشاغل	۲۳۵۶۰۰۰۰۰	۵۲۴۰۰۰۰۰	۳۵۱۱۲۲	خ دماوند نرسیده به چهارراه خاقانی نبش بلال حبشی

اداره روابط عمومی امور مالیاتی شهر تهران